

استخراج الگوی تربیتی شهید سلیمانی در عرصه سیاسی و نظامی بر اساس شیوه تحلیل محتوا

فاطمه شمس الدینی مطلق^۱

حمدالله منظری توکلی^{*۲}

علیرضا منظری توکلی^۳

زهرا زین الدینی میمند^۴

چکیده

الگوهای تربیتی بویژه در خصوص رهبران سیاسی یا فرماندهان نظامی از مسائل حائز اهمیت در عرصه سیاسی است. ضرورت تعلیم و تربیت برای دستیابی به هستی متعالی و جاودانه، جایگاه و مقام آن را تا بنیاد اجتماع بالا می‌برد. اگر تربیت صحیح در فرد شکل بگیرد، آن شخص در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی و روابط گوناگون، تأثیرگذار خواهد بود. شهید سلیمانی، یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای بود که تحت تأثیر مکتب اسلام قرار داشت و با پیروی از قرآن کریم و سیره معصومین - علیهم‌السلام، در وادی تربیت، ممتاز گردید. مطالعه زندگی و رفتار ایشان، می‌تواند الگویی در عرصه تربیت رهبران سیاسی و نظامی باشد. این پژوهش به شیوه تحلیل مضمون انجام شده و با مراجعه به محتوای موجود از زندگی و شخصیت شهید سلیمانی، ویژگی‌های تربیتی و عملکرد ایشان در عرصه سیاست و روابط بین الملل، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که ویژگی‌های شهید سلیمانی در عرصه تربیت عبارتند از: توحید، ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، اخلاص و معنویت، عشق به اسلام، ساده زیستی، عشق به اهل بیت و ولایت‌مداری، دنیاگریزی و دل‌ن بستن به آن و در عرصه سیاست و روابط بین المللی، ویژگی‌های ممتازی از جمله: استکبارستیزی، دفاع از مظلومان، عدم وابستگی به حزب و جناح، عقلانیت، عدالت اجتماعی، محبوبیت جهانی، مقاومت و ایستادگی و تمرکز بر هدف‌های ارزشمند، از خصایص بارز این شهید بزرگوار است.

واژگان کلیدی: الگوی تربیتی، شهید سلیمانی، تحلیل مضمون، رهبران سیاسی و نظامی

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)

* h_manzari33@yahoo.com

۳ و ۴. استادیار، گروه روانشناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۸

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره یازدهم، شماره پیاپی چهارم، صص ۳۴۳-۳۲۵

آموزه‌های تربیتی شهید سلیمانی، در سیره عملی ایشان نمود پیدا کرده که با بررسی زوایای مختلف رهنمودهای تربیتی که از زندگی ایشان بر جای مانده است، به خوبی می‌توان مبانی، اصول و اهداف نظام تربیتی مورد نیاز جامعه را ترسیم و با بهره‌گیری از برخورد و بازخوردهای تربیتی ایشان، به الگویی جامعه و کاربردی رسید که نه تنها نکات برجسته و روشن سایر اندیشمندان امر تربیت را به خوبی داراست، بلکه نگاهی عمیق و دقیق به ابعاد و جوانب مختلف انسان دارد. مبانی و اصول تربیتی شهید حاج قاسم سلیمانی، منبعث از مکتب اسلام است و با بهره‌گیری از آن می‌توان به سرچشمه کمال و رستگاری دست پیدا کرد و بر تمامی مصائب و آسیب‌های اجتماعی پیش آمده، فائق آمد. بنابراین الگوی تربیتی شهید سلیمانی دارای بنیان‌ها و ریشه‌های مستحکم و ژرفی است که از ارتباط و اتصال با سرچشمه‌های کمال، نشأت یافته و به این خاطر، تأثیرات عمیقی بر جای خواهد گذاشت. با بررسی‌های انجام شده در سیره تربیتی شهید سلیمانی، در می‌یابیم که ایشان از فضایل اخلاقی بسیار ارزشمندی برخوردار بوده است از جمله: ایمان و اعتقاد به پروردگار، اخلاص، عشق به اهل بیت (ع) و پیروی از ولایت، تقوا، تواضع، ساده زیستی و ... و همین فضایل ارزشمند سبب شده است که ایشان، چه در عرصه فردی و چه در عرصه اجتماع، سیاست و روابط بین الملل نیز مؤثر واقع شود و بهترین عملکرد را از خود نشان دهد. هر چند که گفتار و شیوه زندگی سردار سلیمانی، مانند دریای عظیمی است که این نوشتار حتی جرعه‌ای از آن هم محسوب نمی‌شود؛ اما ضروری است که دانشمندان و نخبگان، به صورت جهاد علمی، روی این مطالب کار کنند و این شیوه زندگی را به عنوان یک منشور تربیتی و سیاسی به نهادهای علمی و فرهنگی و سیاسی ارائه دهند، تا هر چه سریع‌تر، این دریای پر تلاطم آلودگی‌ها و گناهای که امروزه جامعه بشری را فرا گرفته، نجات یابند. نگارندگان این پژوهش، در تلاش است با مراجعه به محتوای موجود از زندگی و شخصیت شهید سلیمانی، ویژگی‌های تربیتی و عملکرد ایشان در عرصه سیاست و روابط بین الملل، را مورد بررسی قرار دهد تا بدین منظور، به ارائه الگویی پرداخته

شود که از روش‌های عملی، برخوردها و بازخوردهای تربیتی ایشان به دست می‌آید. روش‌هایی که می‌تواند در حل مشکلات تربیتی جامعه امروزی به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت و سیاست کمک کند. آموزه‌های تربیتی شهید سلیمانی، در سیره عملی ایشان نمود پیدا کرده که با بررسی زوایای مختلف رهنمودهای تربیتی که از زندگی ایشان بر جای مانده است، به خوبی می‌توان مبنای، اصول و اهداف نظام تربیتی مورد نیاز جامعه را، ترسیم و با بهره‌گیری از برخورد و بازخوردهای تربیتی ایشان، به الگویی جامع و کاربردی رسید که نه تنها نکات برجسته و روشن سایر اندیشمندان امر تربیت را به خوبی داراست، بلکه نگاهی عمیق و دقیق به ابعاد و جوانب مختلف انسان از جمله عرصه سیاسی و نظامی دارد.

۲-پیشینه پژوهش

با توجه به جستجوهای که در زمینه پیشینه این صورت گرفت، این نتیجه حاصل شد که در رابطه با پیشینه کلی موضوعی، تحقیقات قابل توجهی در زمینه ویژگی‌های شهید سلیمانی صورت گرفته است. از آن میان می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد: رضائیان (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان «نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب‌ساز، حاج قاسم سلیمانی»، به بررسی ویژگی‌های شهید سلیمانی که او را به فردی مکتب‌ساز تبدیل کرده، پرداخته است. نتایج بیانگر آن است که شهید سلیمانی، با خارج شدن از مدار فردیت و گسترش سعه وجودی‌اش، بر نفوس انسان‌ها تأثیری قابل توجه گذاشته و در واقع به یک مکتب تبدیل شده است. از نظر نگارندگان، شهید سلیمانی، سرباز مخلصی در راه خدا بود که توانست جهانی را دگرگون کند. دهقانی پوده و پاشایی هولاسکو (۱۳۹۹)، در تحقیق خود با عنوان «تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی»، مجموعه اقدامات و افتخارآفرینی‌های شهید سلیمانی در دوران چهل ساله انقلاب اسلامی را یادآور شده است، و با بررسی کتابخانه‌ای در زندگینامه، سخنرانی‌ها، یادداشت‌ها و وصیتنامه شهید، مکتب این شهید والامقام را در پنج بُعد معنوی و ارزشی، فردی و رفتاری، فرماندهی و مدیریتی، نظامی و تأثیرگذاری (عملکردی)، مشخص کرده است و در نهایت به این نتیجه رسیده که پیامد مکتب سلیمانی، «سعادت و شهادت» است. حسین زاده (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان

«اصول و مبانی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی»، مکتب شهید سلیمانی را به عنوان مکتبی جهان شمول و الگوساز معرفی کرده است و مدیریت جهادی را در این مکتب، مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش حاکی است که روحیه ایثارگری، کار و تلاش مضاعف، مسئولیت پذیری، وجدان کاری، شجاعت و قاطعیت در امور، خودباوری و ... از جمله اصول، مبانی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی است.

بابایی طلائی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی»، به بررسی اصول راهبردی این شهید و الامقام پرداخته است. نگارندگان این اصول را در چهار مؤلفه اساسی تقسیم بنده کرده است که عبارتند از: اصول دانشی و معرفتی، اصول ارزشی و انگیزشی، اصول الگویی و اصول نمادی. که سه اصل خدا باوری و یقین به وحدانیت او، تفکر راهبردی ولایی و آخرت نگرایی از اصول اندیشه‌ای است و اخلاص در گفتار و عمل، روحیه جهادی و انقلابی گری و التزام عملی به دین از اصول ارزشی و انگیزشی است و تقوا و ادب الهی، استقامت علوی گونه و مدیریت دینی از اصول الگویی و ولایت مداری (ولی فقیه)، عشق به خدا و دیدار او و تصمیم گیری راهبردی ولایی از اصول نمادی احصا گردیده است.

۳- ویژگی‌های شهید سلیمانی در عرصه تربیت

۳-۱- توحید

توحید، بنیادی‌ترین اصل اعتقادی در اسلام، به معنای یکتا و بی‌مانند دانستن خداوند، و همچنین بی‌شریک بودن او در خلق جهان است. توحید در فرهنگ اسلامی، در مقابل شرک به کار رفته و عمل، به این معناست که جز در برابر خدای یکتا، برای هیچ کس و هیچ چیز سر تعظیم فرود نیاوریم و به طاغوت نیز کفر بورزیم. به تصریح قرآن کریم، پیام تمامی پیامبران، اعتقاد به توحید بوده است. آیاتی از قرآن کریم که مستقیم به توحید دلالت دارند، عبارتند از: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو او خدای یکتاست.» (اخلاص/۱)؛ «لا إله إلا الله: هیچ خدایی جز الله نیست.» (صافات/۳۵)؛ «إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ: همانا خدای شما خدای یکتاست.» (کهف/۱۱۰) با همین نگاه، سردار سلیمانی در یادواره شهدای خانوک کرمان در سال ۱۳۸۹ می‌گوید: «شهید با استفاده از اخلاص برخاسته از پنج اصل اساسی

دین، به این مقام عظیم رسیده است. می‌توان گفت همه شهدای ما، شهدای حقیقی اصول دین‌اند؛ یعنی وقتی می‌گوییم توحید، توحید در تصور شهید متفاوت است با توحیدی که ما تصور می‌کنیم؛ لذا آن تصور از توحید، به این شهید معرفت داد که او را به این مقام عظیم و بزرگ رساند.» (حسینی، ۱۳۹۹: ۲۵) شهید سلیمانی بر این باور بود که خواندن دعا و قرآن، انسان را به توحید می‌رساند؛ آن هم توحیدی که شهیدساز است؛ توحیدی که اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت را رقم می‌زند و عبودیت خدا را ترسیم می‌کند. شهید قاسم سلیمانی، با این توحید، در مقابل شاه، صدام، داعش، آمریکا و اسرائیل ایستاد، پیروزی‌های مکرر را رقم زد و برای عزت مسلمین، جانش را فدای توحید کرد.»

۳-۲- ایمان و اعتقاد به خدای یگانه

ایمان به خداوند، بلندترین و لطیف‌ترین اندیشه‌ای است که در مغز و فکر بشر راه یافته است که دل را روشن، امیدوار و خوش‌بین کرده، به آدمی نیرو می‌بخشد و قدرت مقاومت وی را مضاعف می‌کند. انسان مؤمن در مصائب و سختی‌ها، آرامش روانی دارد؛ زیرا از سویی خود را دارای تکیه‌گاهی محکم و پناهگاهی امن می‌داند و از این احساس، نیرو و نشاط می‌گیرد:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن‌ها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌هاست» (رعد/۲۸) و از سوی دیگر در برابر پیشامدهای ناگوار، شکیبایی می‌کند و پاداش الهی را در مقابل خویش می‌بیند: «أَنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ بی‌تردید شکیباییان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت» (زمر/۱۰).

انسان مؤمن، سختی‌ها را زودگذر می‌داند و در انتظار سعادت حتمی و جاودانی به سر می‌برد. سردار شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت. داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانت‌دار، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه دادن به دیگران و یاری کردن مردان خدا، پاکدستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم کردن به عدالت را می‌توان در جزء به جزء زندگی این شهید عزیز مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش

می‌برد، بی‌آنکه ذره‌ای ترس یا تردید به خود راه دهد. ایشان همواره رضایت خدا و ولی خدا را در عمل به تکلیف واجب می‌دانست.

۳-۳-۳- اخلاص و معنویت

اخلاص را می‌توان یکی از مهم‌ترین فضائل اخلاقی، بلکه اصلی‌ترین فضیلت اخلاقی دانست که انسان به آن نیاز دارد. اخلاص، پاک کردن نیت از شرک و ریا است. «ضد ریا، اخلاص است، و آن عبارت است از پاک و خالص ساختن قصد و نیت از غیر خدا.» (سجادی، ۱۳۸۳: ۶۵) در کتاب کشف‌المحجوب در تعریف اخلاص آمده است: «چنانکه جسد بی روح جمادی بود، عمل بی‌اخلاص هبایی بود.» (هجویری، ۱۳۸۳: ۱۳۸) صفت اخلاص و نقطه مقابل آن یعنی ریا، همواره در آیات قرآن کریم و سخنان معصومین (ع) مورد توجه و تأکید قرار گرفته است: «وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ؛ و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند؛ و دین [ثابت و] پایدار همین است.» (بینه/۵)

بنابراین، حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرب به اوست. راز محبوبیت سردار سرافراز شهید حاج قاسم سلیمانی نیز در اخلاص اوست. رهبر معظم انقلاب بارها او را با صفت «اخلاص» معرفی کرده‌اند. ایشان در دیدار با خانواده این شهید با عظمت فرمودند: «می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلاست... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است. اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود. دل‌ها دست خداست؛ اینکه دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت.» (بیانات در منزل سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸) بنابراین عظمت سردار سلیمانی و شکوه مکتب سلیمانی، به اخلاص او بود. مظهر معنویت آن شهید بزرگوار، در درجه اول، اخلاص او بود. کاری به مدح مردم نداشت. دنبال این بود که خدا از او چه می‌خواهد.

۳-۴- عشق به اسلام

عشق به اسلام، به معنی علاقه شدید به دین اسلام و عمل به دستورهای الهی است. در طول تاریخ، دشمنان اسلام، برای نابودی این دین الهی، تلاش‌های فراوانی کرده‌اند و حيله‌ها و روش‌های گوناگونی را به کار برده‌اند تا به مبارزه با اسلام و تعلیمات ناب آن بپردازند. با پیشرفت زمان، روش‌های مبارزه با اسلام، تغییر کرده و در عصر کنونی، از خود اسلام، علیه آن و پیروانش استفاده می‌کنند و به طرق گوناگونی، برای حاشیه‌نشینی اسلام و مسلمانان متوسل شده‌اند. در این میان، انسان‌هایی شجاع و معتقد به اسلام، وجود دارد که سعی در شناساندن اسلام واقعی به پیروان این دین را دارند و با برخورداری از روحیه عدالت‌خواهی، و ظلم ستیزی، اسلام ناب محمدی را گسترش می‌دهند. سردار رشید اسلام، شهید سلیمانی، یکی از افراد برجسته‌ای بود که دغدغه اصلی او، گسترش اسلام ناب محمدی بود. ایشان در حقیقت، مدافع محرومان و مستضعفان دنیا بود و این اندیشه، برخاسته از روحیه ظلم ستیزی وی بود که آن را از قرآن کریم و آیین اسلام، فرا گرفته بود.

سردار سلیمانی، اسلامش را از امام خمینی (ره) گرفته بود. وی در ۸ اسفند ۱۳۹۷ در همایش رسالت‌های حوزه و گام دوم انقلاب اسلامی گفته است «امام خمینی، اسلام ناب را تبیین فرمودند و اسلام نبوی را تجدید بنا کرد.»

۳-۵- ساده‌زیستی

ساده‌زیستی و دوری از تجملات دنیوی، یکی از ارزش‌های متعالی به حساب می‌آید و در زندگی فردی و اجتماعی انسان، تأثیر فراوانی دارد. قرآن کریم، خوش‌گذرانی را عامل سقوط می‌شمارد و می‌فرماید: «و کم اهلکنا من قریة بطرت معیشتها؛ چه بسیار قریه‌ها را از میان بردیم که از زندگی خود گرفتار سرمستی بودند.» (قصص/۵۸)

پیشوایان دینی نیز، قناعت و ساده‌زیستی را ارزشی والا می‌دانستند. حضرت علی (ع)، خطاب به «صعصعه بن صوحان» می‌فرماید: «آنک ما علمت حسن المعونة خفیف المؤمنة؛ همانا تو تا آن جا که دانسته‌ام، یاوری نیکو و کم هزینه‌ای.» (یعقوبی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۰۴)

قدرت و ثروت، چشم دل و بصیرت آدمی را خاموش می‌کند و فهم صحیح را از او می‌گیرد، اما زهد و ساده‌زیستی موجب حق‌پذیری، حق‌پرستی و آخرت‌خواهی و بزرگ‌ترین عامل رشد دنیوی و اخروی است؛ زیرا انسان زاهد، حق را می‌پذیرد و به حق عمل می‌کند. (زاهرخانی، ۱۳۹۶: ۷۸) شهید سلیمانی انسان وارسته‌ای بود که با پیروی از قرآن و پیشوایان دینی، هیچ‌گاه به دنبال پست و مقام‌های دنیایی نبود و هرچند می‌توانست با استفاده از موقعیت و جایگاه خود امکانات رفاهی فراوانی را برای خود و خانواده‌اش فراهم کند، اما ساده‌زیستی و نزدیک بودن به عامه مردم را برگزید. شهید سلیمانی، انسانی از دنیا بریده و آخرت‌گرا بود. حضور پیوسته و مداوم او در میدان جهاد و شهادت حاکی از این است که وی از دنیا دل‌کنده بود و تعلق به دنیا و مافیها، نداشت و خود را برای حضور در محضر خداوند از طریق شهادت آماده کرده بود. از همین رو بود که امام خامنه‌ای درباره وی می‌فرماید: «حاج قاسم صد بار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اوّل نبود، ولی در راه خدا، در راه انجام وظیفه، در راه جهاد فی‌سبیل‌الله پروا نداشت؛ از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت.» (بیانات رهبری در منزل سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی، ۱۳۹۸).

۳-۶- عشق به اهل بیت و ولایتمداری

ولایت، ارزنده‌ترین نعمت الهی است که به بشر ارزانی شده و اکمال دین و اتمام نعمت است: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي». در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشُكُّنَ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ؛ اگر خدای متعال کسی را به این رزق برساند که محبت ائمه از اهل‌بیت مرا در سفره او قرار دهد، به تمام خیر دنیا و آخرت راه پیدا کرده است» (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۷۸) سردار بزرگ اسلام، به واقع مصداق کاملی بر این حدیث شریف بود. از عمق جان، شیفته اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت، در اعماق وجودش رسوخ نموده بود. مجلس عزای حسینی را بر پا می‌کرد و خدمت در روضه سیدالشهدا (علیه السلام) را برای خود، افتخاری بس بزرگ می‌دانست. برای برگزاری جلسات اهل‌بیت (ع) اهتمام

ویژه‌ای داشت؛ به گونه‌ای که شخصاً در این جلسات حضور پیدا می‌کرد، مقابل درب ورودی بیت‌الزهرا (س) می‌ایستاد و به عزاداران خوش‌آمد می‌گفت. ایشان درباره اهمیت این مجالس می‌فرمود:

مجلس حضرت زهرا (س) ... باید به آن دقت کرد، باید احترام کرد، باید توجه کرد ... همه اصرار من در برگزاری این مجلس، این است که مجلس عبادت و عبودیت باشد. به همین دلیل باید به نماز اول وقت در این جلسات توجه شود، به همه موضوعاتی که در آن گفته می‌شود، توجه شود ... اینجا نشستید، ذکری بگویید. همان‌طور که نشستید و آرام آرام گوش می‌دهید، ذکری را نذر کنید؛ برای یک چیزی، برای گرفتاری خودتان، اما حرف‌هایی که مربوط به جلسه عزادار حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیست، مربوط به مجلس و جلسه عبادت نیست، نباید در این جلسه گفته شود ... این جلسه، جلسه گوش دادن است. جلسه توجه کردن، تفکر کردن و ذکر گفتن است. (زاهرخانی، ۱۳۹۶: ۷۹)

۳-۷- دنیا‌گریزی و دل‌ن بستن به آن

دنیا‌گریزی، به معنای دل‌ن بستن به دنیاست؛ چنان که استفاده از لذت‌های دنیا و پرداختن به امور مادی در آن، موجب ترک واجب یا ارتکاب حرامی نشود. دنیا باید وسیله‌ای برای رسیدن به کمال آخروی شود.

دوستی دنیا و گرایش به آن، یکی دیگر از صفات رذیله اخلاقی است و از ریشه‌های حرص محسوب می‌شود. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، همواره از دنیا با عناوین لهو و لعب و متاع غرور، سرزنش به عمل آمده است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.» (آل عمران/۱۸۵)

پیامبر اکرم (ص) دنیا را پست و ناچیز دانسته و فرموده است:

الدُّنْيَا دَنِيَّةٌ خَلَقَتْ مِنْ دُونِ الْآخِرَةِ؛ دنیا پست است و پیش از آخرت آفریده شده. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۹: ۲۸۰).

حضرت علی (ع)، دوستی دنیا را سرآغاز همه فتنه‌ها و محنت‌ها را دانسته است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمَحَنِّ؛ دنیاپرستی سرآغاز فتنه‌ها و ریشه همه محنتها و رنج‌هاست.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۷: ۴۸۷) شهید قاسم سلیمانی، با همین نگاه، از دنیا گریزان بود و اعتنایی به آن نداشت. مکتب شهید سلیمانی، برگرفته از مکتب اسلام بود و به همین جهت، دنیا در نگاه او، پست و ناچیز بود. خانم زینب سلیمانی می‌گوید: «روزی که بابا مدال ذوالفقار را از حضرت آقا گرفتند، به ایشان تبریک گفتم. گفتند: این‌ها همه دنیوی است، دعا کن یک روز مدال اخروی ام را از خدا بگیرم.» (حسینی، ۱۳۹۹: ۷۸) دنیا در نگاه مردان الهی، ناچیز و پست است. آنان به تبعیت از مکتب اسلام و قرآن مجید، بر این باورند که «وما الحیاء الدنیا إلا متاع الغرور»: زندگی در دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست؟ خداوند کریم در آیه ۷۴ سوره نساء می‌فرماید: «کسانی که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، باید در راه خدا پیکار کنند. و آن کس که در راه خدا می‌جنگد، چه کشته شود یا پیروز، پاداش بزرگی به او خواهیم داد.» سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی به دنیا تعلق نداشت و همواره دیگران را نیز به دنیاگریزی دعوت می‌کرد. او در بهمن ۱۳۸۸ در جمع پاسداران گفت «حریص نباشید که به کجا برسید از نظر مالی و درجه و پست و جایگاه مادی؛ این‌ها قیمتی ندارد.»

۴-ویژگی‌های شهید سلیمانی در عرصه سیاست و روابط بین الملل

۴-۱- استکبار ستیزی

استکبار از ریشه «ک-ب-ر» و به معنی «برتری خواهی» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۱۸)، «امتناع از پذیرش حق، از روی عناد و تکبر» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۳)؛ «خودبزرگ بینی دروغین» (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۴: ۹) است. و در اصطلاح، بیشتر به معنای سلطه‌جویی، استعمار و استثمار به کار می‌رود.

هر انسان مسلمانی، مطابق با آموزه‌های دینی، وظیفه مقابله با ظلم و استکبار دارد. در قرآن کریم، مستضعفین، موظف به دفاع و مقابله با استکبار و مستکبرین شده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: «و لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا؛ و خداوند هرگز راهی برای سلطه کفار بر مسلمانان قرار نداده است» (نساء/۱۴۱) «محمد رسول الله و الذين معه أشدأء على الكفار رحماء بينهم؛ محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند» (فتح/۲۹)

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «كونوا لظالم خصما و للمظلوم عوناً؛ پیوسته دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

مصادیق استکبار، در دنیای کنونی، همه دولت‌ها و کشورهایی می‌باشند که به دنبال سلطه بر دیگر کشورها بوده و حقوق سایر انسان‌ها را نادیده می‌گیرند. در رأس همه دولت‌های سلطه‌جو، امریکا، و رژیم صهیونیستی، هستند و کشورهای انگلیس و فرانسه نیز از آنها حمایت می‌کنند.

شهید سلیمانی، یکی از چهره‌های شاخصی است که به مبارزه با رژیم‌های غاصب و حمایت از مردم مظلوم کشورهای مورد سلطه پرداخته است. این حمایت، برخاسته از فطرت و وجدان انسانی است و تفکر ایشان، برگرفته از دستورات و آموزه‌های دینی است که سکوت در برابر ظلم و ستم را برای مسلمان جایز ندانسته است. او شاگرد مکتب اسلام بود که در مبارزه با استکبار، مرز نمی‌شناخت، از دفاع مقدس تا جنگ ۳۳ روزه در لبنان و جنگ ۴۸ ساعته در نوار غزه، برایش میدان مبارزه با ظلم و استکبار بود.

وجود و حضورش در صحنه‌های مبارزه با استکبار جهانی و ارتجاع عربی، همه سرمایه‌گذاری‌ها و توطئه‌ها علیه دنیای اسلام را ختنی می‌کرد. هنر او تبدیل «تهدید» به «فرصت» بود. در شاهکاری بی‌نظیر، پروژه خطرناک «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» را نابود و آن را به فرصتی برای اتحاد امت اسلامی تبدیل کرد. در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، هشت روزه، سه روزه و ... با طراحی‌های هوشمندانه و حمایت فکری و میدانی، دشمن صهیونیستی را به تسلیم در برابر رزمندگان فلسطینی و لبنانی وادار کرد، هسته مقاومت را در کشورهای سوریه و عراق بنیان گذاشت و با سازماندهی، آموزش و ایجاد اتحاد و انسجام میان نیروهای رزمنده در برخی کشورهای اسلامی، روحیه خودباوری را به رزمندگان مسلمان تزریق کرد و آنان را به میدان‌های مبارزه با استکبار و صهیونیسم و سلفی‌گری کشاند.

۴-۲-دفاع از مظلومان

مبارزه با مستکبرین و دفاع از مظلومان به عنوان دو روی یک سکه از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات ایمانی زندگی مسلمانان است. خداوند در سوره مبارکه حج می‌فرماید: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ * الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَأَدْفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ به آنها که جنگ بر آنان تحمیل شده اجازه جهاد داده شده است، چرا که به آنها ستم شده است و خدا بر نصرت آنها تواناست. همان‌ها که به ناحق از خانه و لانه خود بدون هیچ دلیلی اخراج شدند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما الله است، و اگر خداوند بعضی از آنها را با بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌شود و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آئینش دفاع نمایند) یاری می‌کند. خداوند، قوی و شکست‌ناپذیر است.» (حج/۴۰-۳۹)

بر اساس حدیث «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیر دستانش بازخواست می‌شوید»، مسلمان نباید نسبت به دیگر مؤمنان که مورد ستم واقع شده‌اند، بی‌تفاوت باشد؛ بلکه باید به هر نوع که برایش ممکن

است، از ظالم بیزاری نموده و به مسلمانان مظلوم کمک کند؛ زیرا امت اسلامی، امت واحده است. سردار بزرگ اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی رزمنده‌ای بود که حتی لحظه‌ای برای دفاع از مظلومان و نبرد با تکفیری‌ها و ایادی تحجر از پا ننشست. شخصیت کاریزماتیک وی در جنگ، از او نابعه‌ای کم‌نظیر برای برنامه‌ریزی در برهم کوبیدن دشمنان در میداین نبرد ساخته بود که با آوازه‌ای که در کشور و در رسانه‌های دنیا داشت، هیچ‌گاه دچار غرور و تکبر نشد؛ بلکه با کمال تواضع و فروتنی در میان هم‌زمانش حضور پیدا می‌کرد و در تمام صحنه‌های اجتماعی، بدون اندک احساس غروری حضور می‌یافت. (زاهرخانی، ۱۳۹۶: ۸۱)

۴-۳- عدم وابستگی به حزب و جناح

یکی از نقاط قوت اخلاق اسلامی، توجه به انسان‌ها، حس همکاری، نیکوکاری و خدمت‌رسانی به مردم و به ویژه خدمت به مؤمنان و صالحان است. امام حسین (علیه السلام) فرموده است: «أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ؛ از نعمت‌های خدا این است که مردم، حوائج خود را نزد شما می‌آورند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۷۸) پس از نعمت‌های خدا [که حاجت مردم است] خسته و ملول نشوید». شهید حاج قاسم سلیمانی، نمونه بارزی از مسلمانی بود که در خدمت به مردم، به هیچ حزب و گروهی وابسته نبود. خود را متعلق به همه ملت می‌دانست و هر جا که می‌رفت، چنین وضعیتی داشت. در هر مسئولیت که قرار می‌گرفت، کاملاً به این مسأله پایبند بود. او تبلور مردی بود که بر خلاف بسیاری دیگر، تمایلی به وسوسه‌های سیاسی یا طرفداری از یک جناح خاص پیدا نکرد و سرمایه‌ای متعلق به همه ملت ایران بود؛ چنانکه در وصیت‌نامه‌اش به سیاسیون کشور می‌فرماید: «در دوره حکومت و حاکمیت خود در هر مسئولیتی، احترام به مردم و خدمت به آنان را عبادت بدانند و خود، خدمتگزار واقعی [و] توسعه‌گر ارزش‌ها باشند، نه با توجیهاات واهی، ارزش‌ها را بایکوت کنند»

راز ماندگاری انسان‌های پر مهابت این روزگار، تعلق نداشتن به جناحی خاص است. شهید حاج قاسم سلیمانی، هرگز اجازه نداد جناحی او را مصادره کند؛ زیرا خودش را سرباز امام زمانش می‌دانست و تنها به امنیت و منافع ملی می‌اندیشید. خط قرمزش اسلام، ایران، انقلاب اسلامی، نظام، ولایت فقیه و رهبری و مقاومت بود.

۴-۴- عقلانیت

در آموزه‌های اسلامی، عقلانیت، به یکی از واژه‌های همسو با دین بدل شده؛ تا جایی که در احادیث و روایات، به تعقل ورزیدن اشاره شده است: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ؛ بدترین جانوران در نزد خداوند، کر و لالهایی هستند که تعقل نمی‌کنند.» (انفال/۲۲) شهید سلیمانی، بر اساس اسلام ناب، مکتبش را ترسیم کرده است. او عقلانیت را از اسلام وام گرفته است. همه مظاهر عقلانیت، با به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات، در مکتب شهید سلیمانی نمود عینی دارد.

عقل و تدبیر و فکر و محاسبه، در بیانات، رفتار و کردار شهید سلیمانی موج می‌زد. سرسختی و عدم انعطاف در مقابله با دشمنان، در زندگی او همواره مشهود است. در سخنرانی‌هایش، روحیه امید و اعتماد به نفس را به مردم تزریق می‌کرد. به کارگیری عقلانیت در بیانات و در عمل شهید سلیمانی، باعث پایان بخشیدن سیطره داعش بر کشورهای اسلامی شد؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب، در نامه‌ای به ایشان می‌نویسد:

«شما با متلاشی ساختن این توده سرطانی و مهلک [داعش]، نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید. این نصرتی الهی و مصداق «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» بود که به خاطر مجاهدت شبانه‌روزی شما و هم‌زمانتان به شما پاداش داده شد.» (پاسخ رهبر انقلاب به نامه سرلشکر قاسم سلیمانی درباره پایان سیطره داعش، ۱۳۹۶؛ <https://farsi.khamenei.ir>).

این کلام، نشان دهنده عقلانیت، تدبیر و محاسبه شهید سلیمانی است که در سراسر زندگی او آشکار است.

۴-۵- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن، تخصیص منصفانه منابع در یک جامعه است. به این معنا، قانون باید به سطح مقبولی از عدالت حقیقی و رسمی دست یابد و توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند. عدالت اجتماعی که یکی از شاخص‌های مکتب سلیمانی است، از متن قرآن و متن دین و به طور کلی از مکتب اسلام گرفته شده است. ارزش و بزرگی عدالت در سطح

اجتماع از منظر قرآن به اندازه‌ای است که به صورت اصلی بنیادین مطرح شده و خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند:

«یا داود اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ؛ ای داوود! ما تو را خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن» (ص/۲۶) و در همین راستا به جامعه اسلامی متذکر می‌شود که بدی‌ها و دشمنی‌های مخالفان نباید شما را از راه عدالت بیرون برد، حتی با دشمنانتان با عدالت رفتار کنید: «ولا یجرمنک شنآن قوم علیان لاتعدلوا اعدلوا هواقرب للتقوی؛ دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است!» (مائده ۸) در نگاه سردار سلیمانی، عدالت اجتماعی و توجه به مردم و حل مشکلات مردم، بسیار اهمیت داشت. سردار سرتیپ دوم پاسدار مهدی ایران منش می‌گوید: «نامه‌هایی را که مردم به ایشان می‌دادند، با جدیت دنبال می‌کرد و می‌گفت: وقتی کسی به من نامه داده، جواب نامه را می‌خواهد. من تکلیف دارم و باید جواب بدهم. سردار سلیمانی، دنبال رضایت مندی مردم و مسلمانان بود. او دنبال عدالت اجتماعی، نفی ظلم و ستمگری در جهان، و حمایت از هر مظلومی در منطقه و عالم بود. (ماهنامه فکه، شی ۲۰۲: ۷۱) خود دقیقاً در همین چارچوب و روی همین ریل حرکت می‌کرد. زندگی‌اش مملو از تلاش برای رشد عدالت اجتماعی بود. شهید سلیمانی، با پیمودن این راه، دنبال عدالت حقیقی بود. ایشان با درس گرفتن از مکتب اسلام و مکتب نبی اکرم (ص)، دنبال این هدف بود که ظلم از جهان رخت بریندد و عدالت در سراسر دنیا حاکم شود.

۴-۶- محبوبیت جهانی

خداوند در قرآن وعده داده است که محبت افراد شایسته و با ایمان را در دل‌های دیگران قرار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا: کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دل‌ها] قرار می‌دهد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۲۵۸) سردار سرافراز اسلام، یکی از کسانی است که تمام زندگی‌اش را وقف خدا و خدمت به مردم کرده بود و از این جهت، محبوب همه مردم بود. محبوبیت او به گونه‌ای بود که حتی غربی‌ها نیز در حقیقت او را دوست داشتند. یک ژنرال آمریکایی پس از شهادت سردار دل‌ها نوشت: «سلیمانی

فرمانده‌ای بود که مثل الماس می‌درخشید. در اجرای تاکتیک‌های جنگی، فوق‌العاده بود. در سازماندهی حشد الشعبی با توانمندی بسیار بالایی عمل کرد. ما افتخار می‌کردیم اگر او در ارتش آمریکا خدمت می‌کرد. مشکل سلیمانی این بود که علیه ما بود» حضور چندین میلیون‌نوی ملت در تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی گواه محبوبیت این سردار سرافراز بود و با اینکه حدود دو سال از شهادت ایشان می‌گذرد، همچنان داغ مردم از فقدان این چهره مردمی و مرد میدان، تازه است و همگان در ماتم او هستند.

۴-۷- مقاومت و ایستادگی

خداوند در قرآن کریم به طور صریح، پیامبر اکرم (ص) و پیروان ایشان را به مقاومت و ایستادگی فرا می‌خواند: «فاستقم كما امرت و من تاب معك و لا تطغوا انه بما تعملون بصیر؛ پس همچنانکه مأمور شده‌ای، پایدار باش و نیز هر کس که با تو بسوی خدا باز گشته باید پایداری بورزد و سرکشی نکنید که همانا او نسبت به آنچه می‌کنید بینا است». (هود/ ۱۱۲) علاوه بر آن خداوند در چندین آیه، مسلمانان را به صبر، مقاومت، پایداری دعوت کرده است. در آیات، دو مژده، نتیجه و پاداش مهم و ارزشمند به عنوان محصول صبر و مقاومت، وعده داده شده است: اول مژده رستگاری و بهشت و رضوان الهی؛ و دوم پیروزی و موفقیت صابران و پایداران. مقاومت، صبر و ایستادگی، از ویژگی‌های بارز سردار سلیمانی بود و ایشان، سال‌ها با تلاش و استقامت فراوان، سعی در براندازی دشمنان اسلام و پیروزی پرچم مقاومت داشت. او با این عمل خود، باعث شکل‌گیری جبهه مقاومت در منطقه برای مبارزه با دولت‌های مستکبر شد و این تفکر عمیق را در میان مردم رایج کرد که همه مسلمانان، با هم برادر و برابر هستند و آنچه دشمنان اسلام از آن ترس دارند وحدت مسلمانان و چهره حقیقی اسلام است.

۴-۸- تمرکز بر هدف‌های با ارزش

حکمت و توانمندی نگرشی شهید، او را از حاشیه‌های بی‌ارزش دنیوی دور کرده بود و تمرکز او را بر هدف‌های با ارزش و در رأس آن استقرار جامعه اسلامی و حفاظت از حریم مسلمانان متمرکز کرده بود. این نوع هدفمندی با حکمت نیاز امروز همه ما خصوصاً کارگزاران نظام اسلامی است. (سوفان، ۱۳۹۸: ۱۰۳) مکتب شهید سلیمانی، مکتب تعلیم و تربیت مردان و زنان بزرگ و انقلابی بود و در پرتو تلاش‌های مخلصانه

و با تدبیر ایشان، جبهه مقاومت مسلمانان و مستضعفان در جهان تشکیل و گسترده شد و پیوند خوردن این مکتب به نهضت امام حسین (ع) سیره و سنت توانمند و قدرتمندی را در اقصی نقاط جهان سامان داده است و به طور حتم این پرچم بر افراشته هر روز پرفروغ‌تر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

از جمله مبانی فلسفی و نظری در نظام تربیتی شهید سلیمانی، توجه به فطرت و کرامت انسان‌ها و نیز توجه به توحید محوری و دنیاگریزی می‌باشد. باتوجه به اینکه اصول تربیتی مکتب شهید سلیمانی، برگرفته از تعالیم ناب اسلامی و قرآن کریم می‌باشد، توجه به این اصول و شاخص‌ها، علاوه بر اینکه باعث تزکیه نفس و آراستگی و اّتصاف به فضایل نفسانی می‌گردد، باعث تقرّب به خدا نیز می‌گردد. علاوه بر آن، در رابطه با دیگران، باعث اقامه عدالت و قسط در جامعه می‌گردد و در عرصه روابط بین الملل نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. شهید سلیمانی ویژگی‌های شاخصی داشت که او را تبدیل به یک مکتب کرد و شاخص‌های رفتاری نیکی داشت که می‌توان با استفاده از آنها به الگوی جامعی در زمینه تعلیم و تربیت دست یافت. اصول تربیتی شهید سلیمانی، دارای شاخص‌هایی چون: توحید، ایمان و اعتقاد به خدای یگانه، اخلاص و معنویت، عشق به اسلام، ساده‌زیستی، عشق به اهل بیت و ولایت‌مداری، دنیاگریزی و دل نبستن به آن می‌باشد که در نهایت به ارائه الگوی عملی در زمینه تربیتی منجر می‌شود و عمل به آنها، باعث رساندن فرد و جامعه به سعادت می‌شود. شهید سلیمانی در عرصه سیاست و روابط بین المللی، ویژگی‌های ممتازی داشت که عبارتند از: استکبارستیزی، دفاع از مظلومان، عدم وابستگی به حزب و جناح، عقلانیت، عدالت اجتماعی، محبوبیت جهانی، مقاومت و ایستادگی و تمرکز بر هدف‌های ارزشمند. بررسی ویژگی‌های و شخصیت شهید سلیمانی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار است و به این خاطر، هم در زمان ما و هم در زمان‌های آینده کاربرد داشته و می‌تواند راهنمای افراد و جوامع، در برقراری ارتباط در عرصه خانواده، اجتماع، سیاست و روابط بین الملل باشد.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۱۲، بيروت: دار صادر.
- بابایی طلائی، محمدباقر، (۱۳۹۹)، اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، صص ۳۵۷-۳۸۵.
- تمیمی آمدی، عبد الواحدبن محمد، (۱۳۷۷)، غرر الحکم و درر الکلم، به قلم سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
- حاجی آبادی، حاجی ده آبادی، محمد علی. صادق زاده مختصری، علی رضا، (۱۳۸۰)، تربیت اسلامی (۵) کاوشی در رهنمودهای تربیتی امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: تربیت.
- حسین زاده، محمد صالح، (۱۳۹۹)، اصول و مبانی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی، دومین همایش بین المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن ساز، تهران.
- حسینی، علی، (۱۳۹۹)، خصوصیات مکتب شهید قاسم سلیمانی، تهران، انتشارات علوی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، ماه مهر پرور، تربیت در نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران: دریا.
- دهقانی پوده، حسین و پاشایی هولاسکو، امین، (۱۳۹۹)، تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۳، صص ۹۹-۱۹.
- رضائیان، زهرا، (۱۳۹۹)، نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب‌ساز، حاج قاسم سلیمانی، فصلنامه ره توشه، شماره اول، صص ۳۳۷-۳۹۷.
- زاهر خانی، صغری، (۱۳۹۶)، سردار همیشه قهرمان، تهران، مجد.
- سجادی، سید ضیاء الدین، (۱۳۸۳)، فرهنگ اصطلاحات و تعبیحات عرفانی، تهران، طهوری، چاپ هفتم.
- سوفان، (۱۳۹۸)، قاسم سلیمانی و استراتژی بی نظیر منطقه‌ای ایران، تهران، جنگل.
- طباطبایی، سید علی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل بیت.
- طریحی، فخرالدین، (۱۳۶۲)، مجمع البحرین، ج ۴، تهران: مرتضوی.
- عرسان الکیلانی، ماجد، (۱۳۸۰)، ضرورت بحث در مورد اهداف تربیت اسلامی. ترجمه مشایخی راد، مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، قم: حوزه و دانشگاه، صص ۱۳۱-۱۱۳.
- عرسان الکیلانی، ماجد، (۱۳۸۰)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ترجمه مشایخی راد، مجموعه مقالات تعلیم و تربیت دینی، قم: حوزه و دانشگاه، صص ۱۱۳-۷۱.
- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مصطفوی، حسن، (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم ج ۱۰، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، انتشارات صدرا.

نهج البلاغه، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، تهران، رامین، چاپ اول.
نیکزاد، محمود، (۱۳۷۵)، کلیات فلسفه و تعلیم و تربیت. تهران: کیهان.
هجویری، علی بن عثمان، (۱۳۸۳)، کشف المحجوب، با تصحیح و تعلیقات دکتر محمود عابدی، تهران، سروش.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، ج ۲، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.